

احمد منتظران^۱

به منظور برگزاری چهارمین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (IPIS) با مؤسسه مطالعات استراتژیک روسیه (RISS) در تاریخ ۲۴-۲۲ فروردین ماه ۱۳۸۵ آقایان دکتر طباطبائی مدیرکل دفتر مطالعات و دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز به مسکو سفر نمودند و در این میزگرد که با حضور چهار تن از مسئولین مؤسسه مذکور و آقایان قربان صیفی نفر دوم نمایندگی و احمد منتظران رایزن مطالعاتی و در فضایی دوستانه برگزار گردید، مطالب مطروحه در دو زمینه: الف) مسایل منطقه؛ ب) مسایل مربوط به هسته‌ای مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت که به شرح ذیل اهم مطالب ارائه می‌گردد:

بختیار قاسموف، رئیس مرکز مطالعات منطقه‌ای آسیا و پاسیفیک: در سیستم روابط بین‌الملل معاصر توجه زیادی به آسیای مرکزی و قفقاز می‌شود و لذا این منطقه مهم مورد توجه بازیگران خارجی و قدرتهای خارجی شده است. ما شاهد تلاشهایی از سوی آمریکا برای جذب و سوق دادن نخبگان سیاسی کشورهای آسیای مرکزی برای اهداف سیاسی واشنگتن هستیم و تحولات و انقلابات رنگین در آسیای مرکزی و حوادث اندیجان ارتباط مستقیمی با آمریکا داشته است و آمریکا در هر دو تحول در ازبکستان و قرقیزستان نتوانست به اهداف خویش برسد. هر چند سفیر آمریکا در قرقیزستان ارتقای مقام یافته و به سمت جدید سفیر آمریکا در تایوان رفت. اما اجاره‌بهای پایگاههای آمریکا در این دو کشور افزایش یافت. آسیای مرکزی در پروژه

۱. آقای احمد منتظران رایزن مطالعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو است.

بزرگ آمریکا قرار دارد. حضور آمریکا در افغانستان برای تکمیل حلقه‌ای از متحدین این کشور و در مسیر اهداف کلان سیاست خارجی این کشور رقم می‌خورد.

اهداف آمریکا از حضور بیشتر در آسیای مرکزی عبارتند از: ایجاد یک مجموعه همگرا و متحد و دور کردن نفوذ روسیه از این کشورهاست و نیز مکمل نمودن اهداف سیاسی و اقتصادی خویش در این منطقه مهم است. احداث لوله چندملیتی از افغانستان در این راستا ارزیابی می‌شود.

اوضاع افغانستان نه تنها موجب نگرانی روسیه است و سلطه و حضور ناتو و آمریکا کشت و قاچاق مواد مخدر را نه تنها کاهش نداده بلکه آن را نیز افزایش داده است. از زمان حضور این نیروها در افغانستان جریان صدور مواد مخدر از این کشور به روسیه و اروپا ۹۵ درصد افزایش یافته است و قاچاقچیان مواد مخدر هدف فعالیتهای خویش را بازار روسیه می‌دانند تا توزیع مواد در میان مردم تاجیکستان و آسیای مرکزی. در حال حاضر پیامدهای منفی حضور اشغالگران معلوم شده است و لذا ایران و روسیه بایستی برای مقابله با مواد مخدر در چارچوب سازمان همکاری شانگهای بیشتر باهم همکاری کنند. روسیه در تاجیکستان به احداث نیروگاه حرارتی و در قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان در پروژه‌های نفت و گاز همکاری داشته و ما معتقدیم همکاری‌های ایران و روسیه بایستی خارج از منطقه نفوذ و تأثیر آمریکا شکل گیرد و این امر همگرایی منافع تهران - مسکو را بدنبال خواهد داشت.

آقای دکتر موسوی: در مباحث مطرح شده به همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه انرژی اشاره شد و بهتر است دو کشور بجای رقابت با یکدیگر بیشتر باهم هماهنگی داشته باشند. مراکز ذیربط انرژی دو کشور منافع کوتاه مدت را می‌بینند و بایستی افق دید آنها وسیعتر شده و نگرش بالاتری داشته و به ایجاد اوپک گازی بیندیشند و چنین اهدافی را جستجو نمایند.

- با حضور آمریکا در افغانستان مسئله مواد مخدر حل نشده بلکه یک مافیای آمریکایی کنترل مواد مخدر افغانستان را در دست گرفته و بطور هدفمند مسیر بلغارستان و اروپای شرقی

را نیز مد نظر دارند. منافع بسیاری در مواد مخدر است و فقط در دوران ملاعمر و طالبان بود که میزان کشت مواد مخدر به ۲۰۰ تن کاهش یافت و امروزه بالغ بر ۴۰۰۰ تن شده است.

- بحث خاورمیانه بزرگ و آسیای مرکزی نیز مطرح است و موضوعی بنام جهان اسلام که از اندونزی تا الجزایر کشیده شده و در این مجموعه بزرگ تحولات بسیاری در جریان است و عمده وقایع بزرگ مانند مسایل فلسطین، عراق، ایران و افغانستان، مصر و الجزایر ناشی از مسایل جهان اسلام است. قرن ۲۱ قرن سرنوشت ساز جهان اسلام است و بقیه کشورها حاشیه بیرونی این تحولات هستند. حرکت‌های اسلامی داخلی و ریشه در اسلام دارند. برخی آن را افراط‌گرایی و برخی بیداری اسلامی و شق سوم آنرا استعمارزدایی دانسته که شاخصه اصلی آن مبارزه با سلطه آمریکا است. اسلام‌زدایی و مبارزه با آمریکا با هم صورت می‌گیرد.

- خشونت و افراط‌گرایی ذات حرکت‌های اسلامی نیست و خشونت‌ها از خارج بر آن تحمیل می‌شود. نمونه بارز آن حماس است که یک حرکت غیرخشونت طلب است که سعی دارند راه حل غیرخشونت‌آمیز برای تحولات فلسطین پیدا نمایند.

سال ۲۰۰۵ سال بدی برای مردم افغانستان بود. ۱۶۰۰ نفر از نیروهای افغانی و ۹۱ آمریکایی و ۳۱ نفر از گروه‌های NGO کشته شدند و آقای کرزای بدنبال مذاکره با طالبان است. اما طالبان آن را رد کرده است و مثلث طالبان - حکمتیار - ملاعمر با هم همکاری دارند. ۵۲ درصد محصول ناخالص داخلی افغانستان از مواد مخدر تأمین و سال گذشته ۲/۷ میلیارد دلار ناشی از درآمد مواد مخدر وارد این کشور شده که در راستای توسعه و ساخت و ساز این کشور هزینه نشده است، بلکه در تأمین گروه‌های تروریستی هزینه می‌شود. بایستی شرکای امنیتی در افغانستان بیشتر شده و با تحولات این کشور جدی‌تر برخورد شود.

در خصوص ایران باید گفت تنها یک دولت باثبات و دارای امنیت در منطقه وجود دارد که آن هم ایران است که نباید جامعه بین‌المللی خود را گروه‌گان سیاست‌های آمریکا در قبال ایران قرار دهند. نقش روسیه در مناقشه هسته‌ای ایران بسیار مهم است و شورای امنیت بایستی خارج از

نفوذ آمریکا با موضوع هسته‌ای ایران رفتار نماید. ضربه آمریکا به ایران و ایجاد یک دولت برای همه خطرناک است.

کازوکین رئیس (RISS): تصور کنید آمریکا از عراق خارج شود آیا این امر به ایجاد دولتهای کردی و شیعه و سنی نخواهد انجامید؟ هم شیعیان و هم کردها گروههای مسلح خاص خود را دارند آیا تحقق این سناریوها محتمل نیست؟

طرف ایرانی: مسئله خودمختاری برای کردها فقط در چارچوب خودمختاری کشور عراق قابل طرح است و دعوای امروز عراق مسئله شیعه و سنی نیست بلکه دعوای خشونت‌طلبان برای گرفتن قدرت کامل در عراق است. اگر منافع کشورهای منطقه تأمین شود و آمریکا کسب منافع نامشروع را در این کشور کنار بگذارد، آرامش ایجاد خواهد شد.

طرف روسی: منافع نامشروع و پایان آن کی است ۳۰ سال یا ۵۰ سال؟

طرف ایرانی: منافع مشروع انتفاع کشورهای منطقه و نیز آمریکاست. در غیر این صورت آمریکا دارای منافع نامشروع است.

طرف روسی: آمریکایی‌ها می‌گویند اوضاع عراق بهتر از افغانستان است و آنها می‌توانند در عراق به تحکیم امنیت بپردازند و نظر شخصی من این است کردهای عراق تمامی شرایط ایجاد یک کشور کرد را دارا هستند و نمی‌دانم چه نیرویی می‌تواند کردها را از رسیدن به اهدافشان باز دارد. نیروهای جوان کرد خواهان تشکیل یک کشور مستقل می‌باشند.

طرف ایرانی: رهبران کرد منافع خویش را در چارچوب کشور عراق می‌بینند. رهبران عاقل کرد ایجاد یک کشور کرد و محصور و دارای مشکل در ایران، عراق، ترکیه و سوریه را نمی‌خواهند و لذا کردها خواستار یک منطقه با رفاه اجتماعی و دارای توسعه در چارچوب کشور عراق هستند و منافع آنها در قالب حفظ حقوق شهروندی رقم می‌خورد نه ایجاد یک کشور کردستان مستقل.

وضعیت حزب تحریر در آسیای مرکزی از جمله مباحث مطرح شده بود که طرف روسی

سئوال نمود روابط این حزب با آمریکا و حوزه نفوذ آنها تاکجاست؟

طرف ایرانی: حزب تحریر اساساً یک حزب وهابی است و هدف آنها برهم زدن ثبات در کشورهای آسیای مرکزی و تغییر نقشه جغرافیایی این منطقه است. راه حل ثبات سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی ایجاد احزاب سیاسی و ملی است که توسط رهبران این کشورها ایجاد شود و تجربه تاجیکستان یک تجربه بسیار خوبی است که حزب نهضت اسلامی مانع ایجاد انقلاب رنگین در این کشور شد.

طرف روسی: آیا اهداف حزب تحریر با القاعده برابر است و تحت تأثیر القاعده نمی باشند و بدنبال بی ثباتی در آسیای مرکزی نیستند و آیا اهداف دیگری را بدنبال می کنند؟ اهداف استراتژیک آنها چیست؟

طرف ایرانی: اهداف آنها موازی با اهداف آمریکاست و خواستار بی ثباتی نبوده بلکه اجرای بی ثباتی را تاکتیکی برای اهداف واقعی خویش بدنبال کرده و منافع القاعده و گروههای ملی گرا برابر اما مشترک نیست. مثلاً در عراق گروههای خشونت طلب (بعثی ها و غیره) از طریق راهکارهای دموکراتیک نمی توانند به اهداف خویش برسند و بدنبال دموکراسی توافقی هستند تا قدرت بیشتری از آن خود کنند.

مسایل هسته ایران

آقای دکتر طباطبائی ضمن ارائه تاریخچه روابط هسته ای ایران و روسیه اعلام داشتند: بیانیه صادر شده شورای امنیت سازمان ملل در خصوص مسایل هسته ای ایران نه جنبه الزام آور دارد و نه جنبه حقوقی. اما یک بیانیه مهم ارزیابی می شود. آمریکایی ها بدنبال فشار قطعنامه ای بر ایران هستند و لذا برای حصول اهداف خویش نیازمند تدوین و تصویب چند قطعنامه هستند و وضعیت کنونی نیز به نفع آنها نیست و ناچارند گام به گام اهداف خویش را در قبال ایران جلو ببرند و در جهت تحریم یا محکومیت ایران و بدنبال فراهم نمودن بسترهای لازم حقوقی و ایجاد

شرایط مناسب صدور قطعنامه‌ای هستند، تا نهایتاً به قطعنامه نهایی برسند و در حال حاضر فشار تدریجی و قطعنامه‌ای علیه ایران را مدیریت می‌کنند و چون فشار روسیه را می‌بینند، نمی‌خواهند یک دفعه به این هدف برسند. آنها مایلند محورهای اولیه قطعنامه‌های آژانس را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهند و مسایل سه گانه‌ای مانند تعلیق غنی‌سازی، تعلیق تحقیقات و همکاری‌های فراتر ایران در مورد پروتکل الحاقی که آژانس به آنها پرداخته است و روسیه نیز به آنها در آژانس رأی داده است را تکرار می‌کنند. آنها احتمالاً از روسیه خواهند خواست به این قطعنامه‌های برآمده از آژانس در شورای امنیت سازمان ملل رأی مثبت دهند و بنابراین مباحثی مانند تهدید ایران علیه صلح و امنیت جهانی و اعمال تحریمات احتمالی را پیش می‌برند و مطرح می‌سازند. این قطعنامه‌های اولیه، پایه‌ای برای صدور قطعنامه نهایی است و لذا اگر روسیه به این قطعنامه‌ها رأی مثبت یا حتی ممتنع دهد، دقیقاً به قطعنامه نهایی آمریکا کمک کرده است و در راستای اهداف آنها خواهد بود و دیگر کار روسیه برای وتو کردن با مشکل روبرو خواهد شد. بنابراین رأی روسیه (مثبت یا ممتنع) به هر قطعنامه شورای امنیت خسارات و ضررهای ذیل را بدنبال خواهد داشت:

۱. رأی روسیه (مثبت یا ممتنع) به قطعنامه‌ای در شورای امنیت مغایر با سیاست حل و فصل موضوع ایران در چارچوب آژانس انرژی هسته‌ای است.
۲. اگر پرونده ایران پس از دوران برزخی ماگاتنه و شورای امنیت و سپس با تصویب قطعنامه‌ای به شورای امنیت برود، این امر یک استثنا و رویه‌ای حقوقی برای سایر کشورها خواهد شد.
۳. صدور هرگونه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت موجب لرزان شدن پایه‌های معاهده NPT خواهد شد.
۴. صدور هرگونه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت جایگاه آژانس را در جهان تضعیف خواهد نمود.

۵. صدور هرگونه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت زینهای اقتصادی برای ایران و روسیه ببار خواهد داشت و از طرفی اقدامات داوطلبانه ایران تبدیل به اقدامات الزام آور خواهد شد و بازرسی‌های سرزده آژانس در ایران ضروری و لازم می‌شود.

۶. صدور هرگونه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سیاست روسیه در خصوص چندجانبه‌گرایی و نقش سازمانهای بین‌المللی را کاهش خواهد داد. در واقع صدور هرگونه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سیاست هسته‌ای روسیه را زیر سؤال خواهد برد و مشارکت و دیپلماسی اتمی روسیه را تا حدودی متزلزل خواهد کرد.

ما بسیار حساس هستیم که روسیه گرفتار بازی قطعنامه‌ای آمریکا و غرب نشود و ما نگران هستیم روسیه مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته ابزار و عاملی برای آمریکا در شورای امنیت شود. زیرا نه مسایل هسته‌ای و نه موضوعاتی مانند تروریسم و حقوق بشر برای آمریکا مهم هستند. آمریکایی‌ها صرفاً از آنها بهره‌جویی ابزاری می‌کند. آن چیزی برای مقامات آمریکایی مهم است که ایران و روسیه مخالف سیاستهای یک‌جانبه‌گرایی این کشور هستند. لذا ما مایلیم روسیه در این مقطع حساس خوب ایفای نقش نموده و بر سیاست اصولی خویش مبنی بر حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران در چارچوب آژانس انرژی هسته‌ای پایبند و استوار باشد. طرف روسی: ایران قاطعیت کامل خویش را برای داشتن چرخه سوخت هسته‌ای اعلام داشته و از نظر حقوق بین‌الملل این امر نقض حقوق و وظایف ایران نیست. اما ایجاد چرخه کامل سوخت هسته‌ای شرایط، ظرفیتهای علمی و فنی برای رسیدن به سلاحهای هسته‌ای را برای ایران مهیا می‌کند و این موضوع هم یک امر غیرقانونی نیست و ۱۵-۱۰ کشور غیر هسته‌ای نیز این اهداف را دارند. مشکل اصلی، مدیریت ایران طی سالهای گذشته است که چگونه این برنامه‌ها را دنبال کرده و توانمندی غنی‌سازی را بدست آورده است و چنین امری است که باعث نگرانی‌های جامعه بین‌المللی شده و نسبت بدان ابراز نگرانی می‌کنند. جامعه بین‌المللی از سال ۲۰۰۳ با کشف فعالیتهای هسته‌ای ایران نگران شده است و از طرفی مواضع سیاسی مقامات

بالای ایران در برخی مسایل بدین نگرانی‌ها دامن زده است.

در موضوع هسته‌ای ایران دو مؤلفه وجود دارد: الف) مسایل فنی و تکنیکی؛ ب) مسایلی که ابعاد سیاسی و استراتژیکی دارد. در حالی که ایران بدنبال احداث ۱۰ راکتور هسته‌ای است و آن را به مصلحت خویش می‌داند تا بدنبال احداث آن باشد. اما بایستی تأکید کرد سوخت و راکتورهای مورد نیاز به دو طریق قابل تهیه است: ۱. واردات از خارج؛ ۲. ساخت راکتور بر اساس تکنولوژی داخلی ایران. در مورد اول مشکل است ایران بتواند آن را بغیر از روسیه تهیه نماید و لاقلاً تا زمانی که بحران هسته‌ای حول ایران وجود دارد، هیچ کشوری حاضر و قادر به همکاری با ایران نیست. از طرفی پتانسیل علمی و صنعتی ایران مشخص نیست در حالی که برای طراحی یک راکتور ۱۵-۱۰ سال زمان نیاز است. در این حال ایران نیز تلاش دارد غنی‌سازی نظنز و اصفهان را پیش ببرد. سئوالی که مطرح است، این است که شما در حالی سوخت تولید می‌کنید که راکتور هسته‌ای ایران راه‌اندازی نشده است و این مایه اضطراب و نگرانی بین‌المللی است. برخی کشورها مانند (هند و کانادا) راکتورهای خویش را با سوخت خارجی اداره می‌کنند. از طرفی ایران برای اورانیوم غنی شده خویش بایستی گواهینامه مورد تصدیق مراکز بین‌المللی اخذ نماید و ایران از نظر حقوقی با ماگاته مشکل خواهد داشت. از جانب دیگر منابع اولیه اورانیوم در ایران بر اساس اطلاعات ما محدود است و برای تهیه آن نیز با مشکلات زیادی روبرو خواهید شد. در حال حاضر می‌توانید نیروگاه بوشهر را با سوخت خارجی راه‌اندازی کنید و بن بست فعلی را پشت سر بگذارید. به نظر من دستگاههای ایران مونتاژ و از کشورهای مختلفی تهیه و به هم وصل شده‌اند و شما مشکلات فنی زیادی در آینده خواهید داشت. به نظر من مسایل ذیل برای ایران مهم است تا بدانها پیردازد.

- تاکتیک‌ها و استراتژی ایران با اهداف ذکر شده ایران مغایرت دارد. از سال ۲۰۰۳ مذاکرات سه جانبه را پیش برده‌اید، پروتکل‌های الحاقی را اجرا کرده‌اید و حالا رفتار دیگری از سوی ایران مشاهده می‌شود.

- تروئیکای اروپا و مذاکرات آن محاسنی برای ایران داشته که شما آن محاسن را ندیده‌اید.

- حرکات و اعمال چندی قبل ایران مانند از بین بردن اسراییل، احتمال خروج از آژانس انرژی هسته‌ای NPT و سخنان آقای احمدی‌نژاد در مورد غنی‌سازی اورانیوم در اصفهان و نطنز باعث دامن زدن بیشتر به نگرانی‌های بین‌المللی شده است.

- صحبت‌های مقامات ایرانی نسبت به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت هراس‌برانگیز است.

- مشکل اصلی ایران، عدم تفاهم ایران و آمریکا است که نمی‌توانند بفهمند مواضع یکدیگر چیست و چگونه با هم گفتگو کنند. از سوی دیگر هر چند حرف‌های رئیس‌جمهوری ایران خوراک داخلی دارد، اما غربی‌ها و آمریکایی‌ها را به اقدامات شدیدتر علیه ایران سوق می‌دهد.

کاژوکین: من موافق نیستم صدور بیانیه شورای امنیت برای ایران خطرناک نیست و به نظر من اوضاع و روند تهدیدآمیز بودن در قبال ایران روز بروز بیشتر می‌شود. آنها (آمریکایی‌ها) گام به گام موضوع را جلو می‌برند که هیچ کس نمی‌داند پایان آن چیست. من اعتمادی به آقای بوش ندارم که آمریکا قصد حمله و ضربه زدن به ایران را ندارد و خواهان حل و فصل دیپلماسی قضیه هسته‌ای ایران است. با توجه به شرایط داخلی، آمریکایی‌ها تصمیم دارند این هدف را در شرایط مشخص و زمان خاصی پیگیری نمایند. شرایط به سوی مقابله و برخورد شدیدتر پیش می‌رود و نمی‌دانم این برخورد به چه شکلی انجام خواهد شد اما روند و سمت آن بدینگونه پیش‌بینی می‌شود. من همیشه در بررسی اوضاع ایران ناخودآگاه اوضاع و احوال و شرایط حمله آمریکا به عراق را در ذهن خویش مجسم می‌کنم و برایم تداعی می‌شود. در ابتدا آمریکا با حمله عراق به کویت کاری نداشت و سپس آن را مغایر صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی ارزیابی و به عراق حمله کرد و بخاطر سلاح هسته‌ای به ایران مهلت می‌دهد تا شرایط برای حمله مهیا شود. آنها بدنبال ظرفیتهای کشورها و امکانات منطقه در چارچوب سیاستهای جهانی خویشند و به

این موضوع می‌اندیشند. توصیه می‌کنم با دقت و سنجیدگی با مسایل هسته‌ای عکس‌العمل نشان دهید. روسیه برای حل موضوع ایران در چارچوب آژانس ایستاده و از آن حمایت کرده اما نمی‌تواند اعمال ایرانی‌ها را نادیده بگیرد. روسیه به تنهایی برای حمایت از ایران پافشاری کرده و این امر جایگاه روسیه را محدود کرده و حتی آن را کاهش داده و در صورتی که ایران عاقلانه عمل نکند روسیه مجبور خواهد شد از آنها حمایت یا نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد. به نظر من ایران بایستی تاکتیکها و استراتژی‌هایی مبنی بر راه‌حلهای مصالحه و سازش را دنبال کند.

به نظر من راه‌حلهای ذیل مناسب است تا ایران را از بحران فعلی بیرون آورد:

۱. تعلیق موقت و بدون قید و شرط؛

۲. تجدیدنظر در پروتکل الحاقی؛

۳. بررسی پیشنهاد پوتین و تأسیس شرکت مشترک در قلمرو روسیه.

طرف ایرانی در خاتمه این میزگرد به تفصیل در خصوص حقوق مسلم ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و تکنولوژی بومی هسته‌ای، اقدامات اعتمادساز سه‌ساله ایران با تروئیکای اروپایی، مذاکرات مقامات ایران و روسیه مبنی بر بررسی پیشنهاد روسیه برای ایجاد کنسرسیوم غنی‌سازی مشترک و استمرار مذاکرات مقامات ایران و روسیه در این خصوص توضیحاتی ارائه داد.

طرف روسی در این میزگرد اعتقاد داشت آمریکایی‌ها در قضیه ایران دنبال بهانه هستند و لذا ضربه آمریکا به ایران به بهانه مسایل هسته‌ای بطور اساسی خاورمیانه را تغییر خواهد داد زیرا تفکر حاکم استراتژیک بر سیاست‌سازان آمریکایی این است که در زمان و فرصت مقتضی جنگ را شروع کرده و سپس اثرات و تبعات آن را بررسی می‌کنند.